



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - آیه نفر - مصادف با: ۶ رجب ۱۴۴۶  
- بررسی کلام محقق اصفهانی - دو موید - اطلاق حذر  
سال شانزدهم  
جلسه: ۶۵

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

کلام محقق اصفهانی برای دلالت آیه نفر بر حجیت خبر واحد را بیان کردیم. سه اشکال نسبت به این راه مطرح شد و به هر سه اشکال نیز پاسخ داده شد. دو موید باقی مانده که این دو موید را ذکر می‌کنیم.

#### دو موید اطلاق حذر

##### مقدمه

مشکل مهم آیه مسئله اطلاق حذر بود؛ در چهار وجه از وجوه پنجگانه استدلال که قبلاً ذکر شد مهمترین مانع یا وجوب حذر بود یا اطلاق آن. طبق این چهار وجه آیه می‌تواند اثبات کند حجیت خبر واحد را به شرط اینکه مفید علم باشد. محقق اصفهانی در صدد برآمد از راه وجوب انذار این را اثبات کند، منتهی به کمک معنایی که برای «لعلهم یحذرون» بیان کرد، و لذا نیازی به وجوب حذر نداشت. طبق نظر ایشان وجوب انذار ثابت است، اطلاق انذار هم از خود آیه استفاده می‌شود، «لینذروا قومهم» اطلاق دارد. اینجا دیگر اشکال عدم کونه فی مقام البیان وارد نیست، این غیر از حذر است. در مورد حذر اشکالی که به اطلاق حذر کردند این بود که آیه نسبت به مسئله حذر در مقام بیان نیست. ولی آن اشکال، دیگر در مورد انذار وارد نمی‌شود زیرا آیه نسبت به مسئله انذار در مقام بیان است. پس هم وجوب انذار از آیه قابل استفاده است و هم اطلاق انذار با توضیحی که دادیم ثابت می‌شود. محقق اصفهانی همچنین می‌گوید اطلاق از انذار سرایت می‌کند به حذر و لذا برای احتمال حذر هم اطلاق ثابت می‌شود؛ یعنی مخاطبان، منذرین، چه علم پیدا کنند از قول منذر، چه علم پیدا نکنند، متحذر بشوند.

دو موید هم برای اطلاق حذر می‌توانیم بیان کنیم. زیرا مسئله اطلاق حذر مهم است، اعم از اینکه ما این را به وسیله راهی که محقق اصفهانی فرمودند استفاده کنیم یا غیر آن، بالاخره اطلاق در ناحیه حذر اهمیت دارد. دو موید می‌شود برای آن بیان کرد:

#### موید اول

اگر بخواهیم تحذر را مقید به صورت علم کنیم و بگوییم «لعلهم یحذرون» معنایش این است که احتمال تحذر در صورتی که قول منذر افاده علم کند، اثر دارد، لازمه‌اش این است که اصلاً انذار اهمیت نداشته باشد، بلکه همه چیز دائر مدار علم و یقین باشد. لذا دیگر ذکر انذار هم لغو است. اگر ملاک حصول علم و یقین باشد، این علم و یقین از هر راهی حاصل شود، باید به آن ترتیب اثر داد و دیگر انذار خصوصیتی ندارد؟ زیرا طبق این فرض آنچه منشأ برای حذر می‌شود در واقع علم است نه انذار. پس برای اینکه ذکر

انذار لغو نباشد، برای اینکه با ظاهر آیه مخالف نباشد، باید بگوییم قید علم اینجا لازم نیست بلکه تحذر به طور کلی مطلوبیت دارد، چه از قول منذر علم و یقین حاصل شود و چه نشود.

پس موید اول این است که اگر ما «لعلهم یحذرون» را مقید به صورت حصول علم و یقین کنیم لازمه‌اش این است که ذکر انذار در آیه لغو و بی‌فایده باشد، چون در آن صورت همه اهمیت بر علم متمرکز می‌شود. وقتی می‌گوید اگر انذار موجب علم شد متحذر شوید، معنایش این است که اگر انذار موجب علم نبود تحذر مطلوبیت ندارد، پس انذار مطلوبیت ندارد، پس انذار لغو است، ما نمی‌توانیم به این مطلب ملتزم شویم.

#### سوال:

استاد: نه، ما طبق راهی که بعضی گفتند از راه وجوب حذر بخواهیم برویم، همانطور که شما گفتید، همان نیز مقید به صورت علم نمی‌تواند باشد. یک وقت می‌گوییم اینجا اطلاق وجود ندارد زیرا آیه اصلاً نسبت به حذر در مقام بیان نیست. اگر هم از راه وجوب انذار پیش بیایم، یعنی همان راهی که محقق اصفهانی رفتند، اینجا دیگر کاری به وجوب حذر ندارد، می‌گوییم انذار واجب است، پس حجت است و این انذار مطلق است و اطلاقش هم سرایت به حذر می‌کند. دیگر چرا بگوییم اذا حصل العلم من الانذار، نه، چه از انذار علم و یقین حاصل شود و چه نشود. زیرا اگر مقید به علم بکنیم سر از لغویت انذار در می‌آورد. یعنی دیگر انذار مهم نیست، مهم این است که علم و یقین حاصل شود، نمی‌توانیم این را به گردن آیه بندازیم. آیه روی انذار مانور می‌دهد «لینذروا قومهم» و گرنه انذار خصوصیتی نداشت، از هر راهی علم پیدا می‌شد، حذر مطلوبیت داشت.

#### سوال:

استاد: نه کی گفته که علم و یقین باید حاصل شود؟ ... مگر راه منحصر در انذار است؟ ... می‌گوید «لینذروا قومهم اذا رجعوا»، اگر «لعلهم یحذرون» حمل شود بر صورت حصول علم برای متحذرين، برای کسانی که می‌خواهند متحذر شوند. آنگاه آنچه اهمیت دارد و موضوع برای تحذر است حصول علم است. این دیگر فرقی نمی‌کند که از چه طریقی باشد؟ ... من از شما سوال می‌کنم اصلاً چرا مسئله تفقه و انذار و تحذر را مطرح کرده؟ ... اگر می‌گفت شما یقین پیدا کنید به دستور شرع و به یقینتان عمل کنید و دیگر کاری نداشت از چه راهی باشد، معنایش این است که انذار یک نقش درجه دوم دارد، یعنی بود و نبودش اهمیت ندارد. زیرا یا شما باید برای انذار موضوعیت قائل باشید یا طریقی؛ اگر انذار جزء الموضوع باشد و جزء دیگرش هم یقین باشد ذکر انذار لغو نیست، اما اگر گفتید انذار طریقی دارد و عمده حصول علم است، این معلوم می‌شود که انذار نقش درجه دوم دارد و ذکرش اهمیت ندارد ... از هر طریقی ... بسیار خب واجب است که تبلیغ شود، اما آیا اگر شما حصول علم را ملاک قرار دادید، ظاهرش این است که همه چیز متمرکز بر علم و یقین شده و اصل این است و آن می‌شود طریقی، ظاهرش این است که موضوعیت ندارد در حالیکه عرض کردم، هم ذکر انذار لغو می‌شود هم خروج از محل بحث است. زیرا اصلاً خبر مفید علم و یقین محل بحث ما نیست حجیتش، آن مفروغ عنه است؛ نزاع در خبری است که مفید علم نباشد. می‌گویید فوقش این است که این آیه بر آن خبر واحدی که محل بحث است دلالت ندارد. بسیار خب شما این موید را هم اگر قبول نکنید، عنایت به موید دوم داشته باشید.

#### موید دوم

سلمنا که «لعلهم یحذرون» مقید به قید حصول علم و یقین از قول منذر باشد، اما این مشککش این است که با این احتمال در واقع شما آیه را مقید به فرد نادر و قلیل کردید و این درست نیست. اگر مثلاً غالب مردم از قول مندرین یقین پیدا می‌کردند این تقیید قابل قبول بود، اما اگر اقل الناس یا افراد بسیار کمی از قول مندرین یقین پیدا می‌کنند، مقید کردن آیه به فرد نادر مستهجن است. اگر شما یک حکمی را مقید به قیدی کنید که مربوط به ده درصد مکلفین است، این استهجان دارد. لذا تقیید به چنین قیدی چون تقیید به فرد نادر است مستهجن است، واقعا چند درصد مردم از سخنان مندران تخریر پیدا می‌کنند؟ یک درصد خیلی کمی، اغلب آن را به عنوان یک احتمال راجح می‌پذیرند، نه اینکه هیچ احتمال خلافی ندهند، یقین پیدا نمی‌کنند.

### سوال:

استاد: نه؛ من آن را که از اساس قبول ندارم، مسئله وجوب حذر را، آن را که اشکال کردیم ... آن یک مطلب دیگری است، در جلسات قبل نیز آقای رشیدی این اشکال را کردند که ما می‌توانیم از راه وجوب انذار حجیت خبر واحد را ثابت کنیم و دیگر نیازی به این بحث‌ها نیست؛ این را الان توضیح می‌دهیم ... در مقام بیان نسبت به چی؟ ... خیر ... خیر ... دو راه پیش روی ما است، یک راه همان راهی است که مرحوم شیخ انصاری و محقق خراسانی و بعضی دیگر رفتند و البته اشکال کردند. آنها در واقع از راه وجوب حذر در صدد اثبات حجیت خبر واحد بر آمدند، وجه دوم، سوم، چهارم، پنجم، همه وجوب حذر در آنها بود، منتهی در وجه پنجم یک اضافه‌ای داشت که وجوب حذر به تنهایی نمی‌تواند اثبات کند حجیت خبر واحد را بلکه ما نیازمند اثبات اطلاق در وجوب حذر هم هستیم. یک راه نیز محقق اصفهانی، البته غیر از شیخ انصاری و محقق خراسانی، محقق خوبی و محقق نایینی نیز از جهت وجوب حذر همان راه را ادامه می‌دهند. حال تفاوتش هم بماند.

محقق اصفهانی از این راه وارد شد که ما اساساً کاری به وجوب حذر نداریم، حتی اگر حذر هم واجب نباشد از راه دلالت «لعلهم یحذرون» بر احتمال حذر که به معنای عقاب است می‌توانیم اثبات کنیم وجوب انذار را و می‌توانیم حجیت انذار را نتیجه بگیریم. محقق اصفهانی فرمود که انذار واجب است مطلقاً. بعد فرمود اطلاق در انذار سرایت می‌کند به حذر. پس بالاخره پای حذر و اطلاق آن را وسط کشیده، ولی می‌گوید ما با وجوب حذر کاری نداریم. در آیه که وجوب حذر بیان نشده و دلالت بر وجوب حذر ندارد آنهایی که به دنبال این بودند که بگویند حذر واجب است یک راهی‌هایی را رفتند که اشتباه بود، اینکه مثلاً «لعلهم یحذرون» دلالت بر انشاء التمنی و مطلوبیت حذر دارد مطلوبیت حذر نیز با وجوب حذر ملازم است یا شرعاً یا عقلاً که توضیحش را دادیم. اینها رد شد. محقق اصفهانی می‌گوید ما کاری به وجوب حذر نداریم اما «لعلهم یحذرون» بالاخره در آیه آمده است یا خیر، «لعل» اصلاً به معنای مطلوبیت هم نباشد، بلکه به معنای احتمال باشد، منتهی حذر را ایشان به معنای عقاب می‌گیرند؛ «لعلهم یحذرون» یعنی چه بسا، یحتمل اینها متحذر شوند، چه بسا اینها از شنیدن قول مندرین احتمال عقاب بدهند و این باعث حذر عملی شود.

### سوال:

استاد: ایشان کاری به وجوب حذر ندارد ... حجیت غیر از وجوب است ... نه ... سوالی که شما مطرح کردید و ایشان هم گفتند، آن را می‌خواستم ذکر کنم و با طریق محقق اصفهانی مقایسه کنم.

محقق اصفهانی از این طریق وارد شد که بر طبق آیه انذار واجب است، اما حجیت انذار را از «لعلهم یحذرون» استفاده کرد چون «لعلهم یحذرون» دلالت بر وجوب حذر ندارد، «لعلهم یحذرون» یعنی اینکه متحذرين احتمال عقاب که بدهند در واقع انذار برای آنها، بیان محسوب می‌شود و الا اگر انذار حجت نباشد قاعده قبح عقاب بلا بیان، حذر را به طور کلی منتفی می‌کند و دیگر جایی برای «لعلهم یحذرون» نیست لذا خود «لعلهم یحذرون» دلالت می‌کند بر اینکه انذار حجت است، بعد می‌گوید اگر انذار حجت باشد، مطلقاً حجت است و آن وقت اگر مطلقاً حجت شد اطلاق انذار سرایت می‌کند به حذر، آن هم اطلاق پیدا می‌کند. این فرق می‌کند که بگوییم «لعلهم یحذرون» دلالت بر وجوب حذر می‌کند انذار که واجب شد مطلقاً، حذر هم مطلقاً مطلوبیت دارد.

سوال:

استاد: دو مسئله است ... شما اشکال به محقق اصفهانی می‌کنید؟ ... اصلاً اگر آن بود که فرقی با راه آنها نداشت ... حجیت دارد، یعنی ترتیب اثر باید بدهد ... فرق می‌کند که ما بخواهیم حجیت خبر واحد با تأکید بر «لعلهم یحذرون» اثبات کنیم، یعنی ثقل استدلال ما روی «لعلهم یحذرون» باشد به معنایی که محقق اصفهانی فرمود با آن سه طریقی که بر وجوب حذر تأکید دارد. با آن بیانی که گفتیم یا ملازمه عقلی و یا شرعی بین محبوبیت حذر و وجوب حذر، یا از راه غایه الواجب واجب که حذر به عنوان غایت انذار واجب است، یا آن طریق دیگر، سه طریق بود ... آنجا تکیه بر وجوب حذر بود، اینجا محقق اصفهانی می‌گوید ما کاری به وجوب حذر نداریم.

در این نکته تأملی بفرمایید.

«والحمد لله رب العالمین»